

تحلیل روایی نقش امدادهای غیبی در قیام جهانی مهدی موعود عجل الله فرجه

خدا مراد سلیمیان^۱

چکیده

بر خلاف پندار برخی که بنیان قیام مهدی موعود عجل الله فرجه را بر پایه امدادهای غیبی می‌داند، بی‌گمان اساس قیام و حکومت جهانی مهدی عجل الله فرجه بر پایه امور طبیعی و سنت‌های جاری خداوند است؛ اما به اقتضای بزرگی و گستردگی آن در همه کره زمین، و نیز مجهز بودن دشمنان به امکانات بسیار و پیشرفته، خداوند برخی از نیروهای پنهان و فراطبیعی که از آن "امدادهای غیبی" یا "امدادهای الهی" یاد می‌شود را در اختیار او قرار خواهد داد تا زمینه‌های پیروزی آن حضرت و یارانش، هر چه بهتر فراهم شود. از بررسی آیات و روایات به دست می‌آید که امدادهای غیبی را می‌توان به دو دسته عمده تقسیم کرد: بیرونی؛ مانند فرستادن لشکر الهی، انجام اموری که غیرممکن می‌نماید، حفظ و صیانت مؤمنین، افزایش نعمت‌های دنیوی و حکومت دادن به صالحان و درونی؛ مانند هدایت بخشی و آرامش قلبی، اندک‌نمایی دشمنان در نگاه دوستان و ایجاد ترس و وحشت در دل دشمنان؛ که هر یک در روند قیام نقش خاصی ایفا خواهند کرد. این مقاله با استناد به آیات قرآن و روایات نقش این امدادها را در پیروزی قیام مهدی موعود عجل الله فرجه مورد واکاوی قرار داده، روایت‌های وارد شده در هر زمینه را تحلیل کرده است.

واژگان کلیدی

امدادهای غیبی، تحلیل روایی، قیام مهدی عجل الله فرجه، حکومت مهدی عجل الله فرجه، امدادهای الهی.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (kh.salimian@yahoo.com).

مقدمه

بر پایه تفکر دینی، عوامل تأثیرگذار در کار جهان، منحصر در امور مادی نیست بلکه یک سلسله امور معنوی نیز جزء عوامل مؤثر در حوادث جهانند. به طور مثال دفاع از حق و دادگری یک حساب معنوی دارد جدای از حساب مادی. جهان به حق و عدالت اداره می‌شود و به حمایت از کسانی که به دفاع از حق و ولایت برمی‌خیزند، اقدام می‌کند و پاداش آن‌ها را نابود نمی‌کند. (محمد: ۷)

درحالی که از نظر جهان بینی مادی، سنن تشریحی یعنی مقرراتی که باید بدان عمل کند، حساب مخصوص در میان سنن تکوینی ندارد، حق و باطل و ظلم و عدالت و... یک جور حساب دارند. (مطهری، ۱۳۸۴: ۹۲) خوبی و بدی از نظر نظام کلی عام، حساب خاصی ندارد، گوش جهان به این معانی بدهکار نیست. اساساً جهان، چشم و عقلی ندارد و جهان نسبت به طرفداران عدل و ظلم و حق و باطل بی طرف است و حال آنکه از نظر جهان بینی الهی، جهان نسبت به این امور بی طرف نیست، بلکه طرفداران حق، عدالت، دین و کسانی که از سنن تشریحی پیروی می‌کنند و اخلاص در عمل دارند مورد حمایت، رحمت و امداد غیبی قرار می‌گیرند. (مطهری، ۱۳۸۴: ۹۲-۹۰)

از آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام، به روشنی به دست می‌آید که خداوند، در رودررویی حق با باطل، در جبهه حق قرار گرفته و از آن دفاع می‌کند و این دفاع، گاهی با نیروهای پنهان و امدادهای غیبی او پدیدار می‌شود.

این هواداری در بزرگ‌ترین و وسیع‌ترین رویارویی‌های حق با باطل که به طور عمده از سوی پیامبران الهی شکل می‌گرفت، به عنوان سنتی الهی بیش‌ترین نمودهای حضور خداوند را شکل داده است.^۱

پس از پیامبران الهی، آخرین و بزرگ‌ترین رودررویی بین حق و باطل در زمان موعود آخرالزمان رخ خواهد داد که در آن به طور قطع پیروزی از آن جبهه حق خواهد بود.

۱. برخی از این امدادهای الهی به پیامبران از این قرارند: نجات نوح علیه‌السلام و همراهانش در کشتی و غرق کردن دیگران؛ (انبیاء: ۷۶-۷۷)؛ کمک‌های ویژه خداوند به ابراهیم در پس استقامت و بردباری موحدانه او در هنگام سوزاندنش در آتش؛ (انبیاء: ۶۸-۶۹) زنده کردن قوم موسی پس از صاعقه مرگبار؛ (بقره: ۵۶) امدادهای غیبی به بنی اسرائیل و نوازش زجردیدگان نظام سلطه (بقره: ۵۷ و ۶۰)؛ امداد به موسی با پیروزکردن او و ایمان آوردن ساحران به پروردگار (اعراف: ۱۱۷-۱۲۲)؛ غرق کردن فرعونیان و اعطاء سرزمین آنها به بنی اسرائیل (اسراء: ۱۰۳-۱۰۴)؛ گفتگوی خدا با عیسی و بیان انواع امدادهای الهی به او و مادرش.

این پیروزی اگرچه بر پایه رهبری‌های مقتدرانه مهدی موعود علیه السلام و یاری‌های بی‌مانند یاران خاص و عام آن حضرت خواهد بود اما خداوند برخی از نیروهای پنهان و ویژه خود را نیز در اختیار آن‌ها قرار خواهد داد تا در کنار حضور مردم، زمینه‌های پیروزی آن‌ها، هر چه بهتر فراهم شود. از این یاری‌رسانی خداوند با عنوان "امدادهای غیبی" یاد شده است.

در اینجا پس از اشاره به مبحث مفهوم‌شناسی به نقش این امدادها در پیروزی حضرت خواهیم پرداخت.

مفهوم‌شناسی امدادهای غیبی

«امداد غیبی» تعبیری مرکب از دو واژه «امداد» و «غیب» است. «امداد» یاری‌کردن دیگری است و بیشتر، در موارد دوست‌داشتنی به کار می‌رود. (راغب؛ ۱۴۱۶؛ ۷۶۳) امداد، به چیزهای مادی منحصر نیست و در امور معنوی هم به کار می‌رود. (ابن منظور، ۱۴۰۸؛ ج ۳، ۳۹۷؛ طریحی، ۱۳۷۵؛ ج ۳، ۱۴۴) و «غیب» چیزی است که از انسان پوشیده و مخفی است. (راغب؛ ۱۴۱۶؛ ۶۱۶) برخی واژه‌پژوهان، آن را به معنای پوشیده از چشم گرفته‌اند. (ابن منظور، ۱۴۰۸؛ ج ۳، ۶۵۴) این واژه به معنای مصدری «پنهان شدن» و به معنای اسمی «پنهان» در لغت آمده است. (ابوالفتح رازی، ۱۳۷۱؛ ج ۱، ۲۰۷)

از دیدگاه قرآن، امداد خداوند به عنوان یک قانون و سنت الهی مطرح است. (صافات: ۱۷۳، ۱۷۱؛ مجادله: ۳۱). خداوند با اشاره به سرگذشت پیشینیان، همگان را به تأمل و تفکر در این باره دعوت می‌کند. (آل عمران: ۱۳۷) از دیدگاه قرآن کریم، عملکرد امت‌های سابق و همچنین نحوه رفتار خداوند در قبال آنان یک سنت جاری و همیشگی است (فاطر: ۴۳). قرآن کریم با تصریح بر تغییرناپذیری سنت‌های الهی، امداد و نصرت خود را به عنوان یک سنت و قانون دائمی مشمول پیامبران و مؤمنان در همه زمان‌ها می‌داند (غافر: ۵۱)

بنابراین «امدادهای غیبی» به معنای مددهایی (یاری‌هایی) است که از غیب سرچشمه می‌گیرد. هر چند با عنایت به معنای لغوی آن، می‌توان جهان و نظم و حیات همه نعمت‌های موجود در آن را مددگرفته از عالم غیب و از مصادیق امدادهای غیبی دانست - چنان‌که قرآن، اموال و فرزندان را از امدادهای خداوند دانسته است (اسراء، آیه ۶) ولی این ترکیب در اصطلاح، به معنای مددهای ویژه در زندگی بشر است.

بدون تردید از برترین آموزه‌های پیامبران، ایمان به غیب است؛ به گونه‌ای که خداوند در ابتدای صحیفه آسمانی خود، آن‌گاه که ویژگی‌های پرهیزگاران را برمی‌شمرد، نخست ایمان به

غیب را این گونه بیان می فرماید:

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...﴾

این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقواییان است: * آنان که به غیب ایمان می آورند... (بقره: ۲-۳)

بخشی از این باور به غیب، مربوط به اعتقاد به امدادهای پنهان خداوند است. این امدادها در طول تاریخ، به بهترین صورت ممکن به کمک انسان ها آمده و آن ها را از نابودی نجات داده است.

مرتضی مطهری در پی آیه یادشده بر این باور است که ایمان به غیب آن وقت ایمان است که انسان به مدد های غیبی ایمان داشته باشد. (مطهری، ۱۳۸۴: ج ۳، ۱۴۳) همو در جایی دیگر این گونه به تبیین می پردازد: انبیاء و پیغمبران الهی آمدند تا مردم را مومن به مدد های غیبی و عنایت های ویژه در شرائط خاصی بنمایند. (مطهری، ۱۳۸۴: ج ۳، ۶۱)

شرایط برخورداری از امدادهای غیبی

از آنجایی که کارهای خداوند همه بر پایه حکمت است نمی توان امدادهای او را خالی از این خصلت دانست. بر اساس سنت های الهی، خداوند به هر کس بخواهد یاری می دهد؛ ﴿وَاللَّهُ يُوَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَن يَشَاءُ﴾؛ و خدا هر که را بخواهد به یاری خود تأیید می کند. آل عمران: ۱۳؛ ﴿جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّي مَن نَّشَاءُ﴾؛ یاری ما به آنان رسید. پس کسانی را که می خواستیم، نجات یافتند. یوسف: ۱۱۰؛ ﴿يَنْصُرُ اللَّهُ يَنْصُرُ مَن يَشَاءُ﴾؛ هر که را بخواهد یاری می کند. (روم: ۵)

بنابراین با توجه به حکیمانه بودن خواست او، ضوابط و شرایطی برای برخورداری از امدادهای ویژه وجود دارد که مهم ترین آن ها بدین شرح است:

یک) ایمان

نخستین شرط برخورداری از امدادهای الهی ایمان است؛ چنان که خداوند می فرماید:

﴿أَنَا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا...﴾

در حقیقت، ما فرستادگان خود و کسانی را که گروهی اند، قطعاً یاری می کنیم. (غافر: ۵)

در اینجا به روشنی خداوند یاری خود را مربوط به رسولان خود و کسانی که ایمان آورده اند، دانسته است. درباره امداد غیبی در قالب آرامش بخشی نیز می فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ﴾

اوست آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد. (فتح: ۴)

که در این آیه آرامش به عنوان یکی از امدادهای الهی برای مؤمنان دانسته شده است. بی‌گمان از برجسته‌ترین ویژگی‌های یاران و یاوران مهدی علیه السلام ایمان خالص به خداوند است. امام صادق علیه السلام در این باره، آن‌ها را مردانی دانسته که گویا دل‌هایشان پاره‌های آهن است. غبار تردید در ذات مقدس خدا، خاطرشان را نمی‌آلاید... همانند چراغ‌های فروزانند؛ گویا دل‌هایشان نورباران است. از ناخشنودی پروردگارشان هراس دارند. برای شهادت در راه خداوند دعا می‌کنند و آرزومند کشته شدن در راه خداوند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۰۷، ح ۸۲) و امیرمؤمنان علی علیه السلام یاران حضرت مهدی علیه السلام را گنج‌هایی آکنده از شناخت پروردگار دانسته، از آنان به نیکی یاد کرده است. (اریلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۴۷۸)

دو) پارسایی

پرهیزگاری و تقوای الهی، از دیگر شرط‌های بهره‌مندی از امدادهای خداوند است که:

﴿بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فُورِهِمْ هَذَا يَمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾

آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید و با همیمن جوش [و خروش] بر شما بتازند، [همان‌گاه] پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد. (آل عمران:

۱۲۵)

و ظاهراً مصداق آیه شریفه، واقعۀ روز بدر است، و البته این وعده را مشروط به صبر و تقوا کرده و فرموده است که:

﴿إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فُورِهِمْ هَذَا﴾. (محمدحسین طباطبائی، ۱۳۶۵: ج ۴، ۱۰۴)

از دیگر ویژگی‌های برجسته یاران و یاوران مهدی علیه السلام پرهیزگاری است و از این رو جلب امدادهای غیبی خداوند از سوی آنان صورت خواهد پذیرفت.

سه) پایداری

استواری قدم و پایداری بر باور از اموری است که سبب امدادهای الهی می‌شود. خداوند در این باره می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَابْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾

در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند]: «هان، بیم مدارید و اندوهگین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید، شاد گردید. (فصلت: ۳۰)

راغب در مفردات می‌گوید: کلمه استقامت در اصل در خصوص طریقی به کار می‌رفته که به خط مستقیم کشیده شده باشد، و در آیه شریفه «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» حق را به چنین راهی تشبیه کرده. سپس می‌گوید: و استقامت انسان به این معنی است که همواره ملازم طریقه مستقیم باشد که خدای تعالی در باره چنین انسان‌هایی فرموده: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (مفردات راغب، ماده "قوم") ولی در صحاح اللغه استقامت را به معنای اعتدال گرفته، و گفته: وقتی می‌گویند "استقام له الامر" معنایش این است که این امر برای او در حد اعتدال بود (صحاح اللغه، ج ۵، ۲۰۱۷).

پس مراد از جمله "ثُمَّ اسْتَقَامُوا" این است که ملازم وسط راه باشند، و دچار انحراف نگردند، و بر سخنی که گفته استوار باقی بمانند. (محمدحسین طباطبایی، ۱۳۶۵ ش: ج ۱۷، ۵۹۱) امام باقر علیه السلام در وصف‌شان آن‌گونه که گویی آن‌ها را می‌بیند آن‌ها را سیصد و اندی مرد بر بلندای نجف کوفه ایستاده دانست. که دل‌هایی چون پیولاد دارند. در هر سو تا مسافت یک ماه راه ترس بر دل‌های دشمنان سایه می‌افکند. (محمد بن مسعود عیاشی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۵۹)

چهار) کوشش در راه خداوند

از دیگر شرایط امدادهای خداوند، کوشش در راه خداوند است؛ همان‌گونه که در این آیه می‌خوانیم:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ صُبُلَنَا...﴾ (عنکبوت: ۶۹)؛

کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم.

این آیه افاده می‌کند که هدایت الهی طریقی است در دسترس خود انسان، و آن طریق عبارت است از احسان در عمل که اگر احسان کند خدا با او است، و نمی‌گذارد گمراه شود. (ر.ک: محمدحسین طباطبایی، ۱۳۶۵: ج ۱۲، ۳۵۴)

بنابراین همه آنچه از شرایط جلب امدادهای الهی بدان اشارت شد، همه در قیام جهانی مهدی علیه السلام در او و یارانش وجود دارد از این رو شرایط برای امدادهای خداوند به طور کامل فراهم خواهد شد.

در هر حال قیام حضرت مهدی علیه السلام مبارزه‌ای است در برابر نیروهای کفر جهانی و برخلاف

پندار برخی، این پیروزی با سختی‌ها و ناملايمات فراوانی آمیخته خواهد شد که بایسته است زمینه‌سازان آن قیام جهانی، به بهترین صورت ممکن خود را آماده سازند. موسی بن بکر واسطی از بشیر نبال روایت کرده که گفت: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: آنان می‌گویند که مهدی علیه السلام اگر قیام کند، کارها به خودی خود برای او برقرار می‌شود و به اندازه حجامتی خون نمی‌ریزد. آن حضرت فرمود:

كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوِ اسْتَقَامَتْ لِأَحَدٍ عَفْوًا لَأَسْتَقَامَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ حِينَ أُذْمِيتَ رَبَاعِيَّتُهُ وَ شُحِّ فِي وَجْهِهِ كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى تَمْسَحَ نُحْنُ وَ أَنْتُمْ الْعَرَقُ وَالْعَلَقُ ثُمَّ مَسَحَ جَبْهَتَهُ (نعمانی، ۱۳۹۸: ۲۸۴، ح ۳)؛

هرگز چنین نیست؛ سوگند به آنکه جانم در دست اوست! اگر کارها به خودی خود، برای کسی برقرار و رو به راه می‌شد، به طور مسلم برای رسول خدا صلی الله علیه و آله درست می‌شد؛ آن‌گاه که دندان‌های پیشین آن حضرت شکست و صورتش را زخم رسید! نه هرگز، سوگند به آن‌که جان من در دست اوست [چنین نخواهد شد] تا آنکه ما و شما عرق و خون بسته شده را پاک کنیم. سپس آن حضرت پیشانی خود را - به عنوان نشانه‌ای از آن حالت - پاک کرد.

شکی نیست که دشمنان آن‌گاه که نابودی خود را در قیام آن حضرت بینند همه تلاش خود را برای بقای خود به کار خواهند گرفت و این‌گونه نخواهد بود که به راحتی تسلیم شوند! و بر همه منتظران آن دوران نورانی است تا در عرصه نظامی و افزایش توانمندی‌های جسمانی خود تلاش وافر داشته باشند. گاه علوم انسانی و مطالعات فقهی
حال که به برخی از شرایط امدادهای خاص خداوند اشاره شد، به امدادهای غیبی خداوند در ظهور و قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام می‌پردازیم.

جلوه‌های امدادهای غیبی در عصر ظهور

از آنجایی که آخرین ذخیره الهی و منجی موعود، راه ناتمام همه پیامبران و اولیای الهی را به پایان می‌رساند، خداوند نیز همه امدادهای غیبی را که در اختیار آن‌ها قرار داده بود، در اختیار او و یارانش قرار خواهد داد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

قَائِمُ أَهْلِ بَيْتِي ... يُوَيْدُ بِنَصْرِ اللَّهِ ... (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۵۷، ح ۲)
... قائم اهل بیت من، به یاری الهی تأیید می‌شود.

این روایت اگرچه از جهت سند به دلیل ناشناخته بودن حسن بن علی بن سالم و پدرش، ممکن است ضعیف دانسته شود اما با اصول کلی که از آیات قرآن و روایت‌هایی که در وصف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و یارانش شده است اصلی تردیدناپذیر خواهد بود.

این روایت پس از آن در کفایه الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر (علی بن محمد خزاز رازی، ۱۴۰: ۱۰) با همان سند شیخ صدوق نقل شده است. پس از نزدیک به یک و نیم قرن در إعلام الوری بأعلام الهدی (فضل بن حسن طبرسی: ۳۹۸) نقل شده است. مجموع امدادهای مربوط به قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه را می‌توان در دو گروه تقسیم کرد:

نخست: امدادهای بیرونی و دیگر امدادهای درونی

اما امدادهای بیرونی از این قرارند:

یک، سپاهیان نامرئی و فرشتگان

از نیروهای غیبی بیرونی که به یاری آخرین حجت خداوند و یاران او می‌آیند، «فرشتگان الهی» هستند.

از شماری از آیات قرآن استفاده می‌شود: برجسته‌ترین مصداق یاری‌های پنهان خداوند، نزول فرشتگان برای یاری پیامبران خود است.

درباره فرشتگان روایات گاهی از عنوان «سپاه نامرئی» و گاهی به طور روشن «فرشتگان» یاد کرده است.

الف) (سپاهیان دیده نشدنی)

قرآن در سه جا با تعبیر «جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا» (سپاهیان دیده نشدنی) یاد کرده است:

نخست در آن جا که به وضع مخاطره‌آمیز پیامبر ص در "غار ثور" اشاره کرده، می‌فرماید:

﴿... فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا...﴾

... پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد، و او را با سپاه‌یانی که آنها را نمی‌دیدید،

تأیید کرد و... (توبه: ۴۰)

همچنین آن‌گاه که دشمن در جنگ حنین، به پیروزی موقت رسید و مسلمانان از گرد پیامبر ص پراکنده شدند، امدادهای غیبی - از جمله سپاه نامرئی - آنان را نجات بخشید. و خداوند در این باره می‌فرماید:

﴿ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا...﴾ (توبه:

۲۶۰)

آن گاه خدا آرامش خود را بر فرستاده خود و بر مؤمنان، فرود آورد و سپاهیان فرو فرستاد که آنها را نمی دیدید و...

سوم آن گاه بود که دشمنان اسلام، شهر مدینه را محاصره کردند و مسلمانان ناگزیر به ماندن در شهر و کندن خندق پیرامون شدند! پیامبر ﷺ از خداوند یاری خواست، در پی آن، امدادهای غیبی به کمک آنان آمد که از برجسته ترین آنها لشکرهای نامرئی بود. ونیز خداوند در این باره می فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ۙ ﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آرید؛ آن گاه که لشکرهایی به سوی شما [در] آمدند. پس بر سر آنان تندبادی و لشکرهایی که آنها را نمی دیدید، فرستادیم و خدا به آنچه می کنید، همواره بیناست. (احزاب: ۹)

به نظر می رسد با توجه به مجرد بودن فرشتگان از صفات مادی بتوان بارزترین مصداق این سپاهیان دیده نشدنی را همان فرشتگان دانست (ر.ک: محمدحسین طباطبایی، ۱۳۶۵ ش: ج ۹، ۳۰۲) که در فراز پیش رو نیز بدان اشاره خواهد شد.

ب) فرشتگان

بخش شگرفی از آیات قرآن، از یاری فرشتگان به پیامبر اکرم ﷺ و مسلمانان در نبردهای سال های نخست اسلام حکایت می کند. روشن ترین نمونه، آیاتی است که در آن به این حضور در جنگ بدر اشاره کرده است. به ویژه آن جا که خداوند می فرماید:

﴿ وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَ أَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ ۙ ﴾

یقیناً خدا شما را در [جنگ] بدر - با آنکه ناتوان بودید - یاری کرد. پس، از خدا پروا کنید! باشد که سپاس گزاری نمایید. آن گاه که به مؤمنان می گفتی: «آیا شما را بس نیست که پروردگارتان، شما را با سه هزار فرشته فرود آمده، یاری کند؟» آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند، [همان گاه] پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد. (آل عمران: ۲۵-۲۳)

در این آیه به روشنی، مصداق امدادهای الهی همان پنج هزار فرشته دانسته شده است.

(طباطبایی، ۱۳۶۵ ش: ج ۹، ۱۲۱)

همین امداد الهی در قیام جهانی مهدی علیه السلام به یاری آن حضرت خواهد آمد. عبد الرحمن بن کثیر روایت کرده است:

امام صادق علیه السلام درباره آیه: **أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ**: [هان] امر خدا در رسید، پس در آن شتاب مکنید. (نحل: ۱) فرمود: **هُوَ أَمْرُنَا أَمْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ لَا تَسْتَعْجِلَ بِهِ حَتَّىٰ يَأْتِيَهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادٍ الْمَلَائِكَةُ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالرُّعْبَ**؛ (نعمانی، ۱۳۹۸: ۱۹۸، ح ۹): آن امر ما است، خدای عزوجل امر فرموده که در مورد آن شتاب نشود تا آنکه [خداوند] او را با سه [لشکر] یاری فرماید که عبارتند از: فرشتگان، مؤمنان و هراس.

در این حدیث شریف سه نکته مهم وجود دارد:

نخست: الهی بودن امر ظهور حضرت مهدی علیه السلام؛

دیگر لشکریان غیبی امام عصر علیه السلام در هنگام ظهور؛

و سرانجام تشبیه قیام امام زمان علیه السلام به خروج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.

با توجه به تأیید مضمون روایت بر اساس آیات یادشده و نیز ویژگی‌های یاران مهدی علیه السلام در جلب امدادهای الهی ناشناخته بودن علی بن أحمد (رجال طوسی، ۳۶۳؛ خلاصه حلی، ۲۳۲) و عبید الله بن موسی العلوی و ضعف علی بن حسان (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۵۱) و عبد الرحمن بن کثیر (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۳۵) آسیبی به محتوای آن نخواهد زد.

نعمانی روایت را بدون کم و زیاد در جای دیگر نیز با همین سند نقل کرده است. (نعمانی، ۱۳۹۸: ۲۴۳، ح ۴۳) گفتنی است روایت به این صورت جز در کتاب یادشده در جای دیگری نقل نشده است. و اگر چنان چه پس از آن کسی نقل کرده، از این کتاب آورده است.

عیاشی از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود:

إِنَّ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ نَصَرُوا مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله و سلم يَوْمَ بَدْرٍ فِي الْأَرْضِ مَا صَعِدُوا بَعْدُ وَلَا يَصْعَدُونَ حَتَّىٰ يَنْصُرُوا صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ وَهُمْ خَمْسَةُ آلَافٍ؛ (عیاشی، ۱۴۱۷: ۱۹۷)

فرشتگانی که در جنگ بدر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در زمین یاری کردند، از آن پس به آسمان نرفتند و پس از این نیز نخواهند رفت تا آنکه یاری کنند صاحب این امر را و آنان پنج هزار تن هستند.

طبق این حدیث شریف، دقیقاً همان فرشتگانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در جنگ بدر یاری کردند، امام عصر علیه السلام را در هنگام ظهور یاری خواهند کرد و به طور کلی در برخی از احادیث، خروج حضرت به خروج رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تشبیه شده است.

عیاشی روایت را از ضریس بن عبد الملک نقل کرده است. که کشی وی را ثقه دانسته است.

(کشی؛ ۱۳۶۳؛ ص ۳۱۴)

پیامبرگرامی اسلام ﷺ در روایتی، به نقل از خداوند در شب معراج چنین می‌گوید:

... وَاللَّيْلُ يُجْنِدِي وَالْمُدَنَّةُ بِمَلَائِكَتِي حَتَّى يَغْلِبَنَ دَعْوَتِي ...؛

و با لشکریان خود او (مهدی) را یاری می‌کنم و با فرشتگانم به او مدد می‌رسانم، تا آنکه دعوتم را آشکار کند. (شیخ صدوق، ۱۳۹۵؛ ج ۱، ۲۵۴، ح ۴).

با توجه به اینکه هیچ یک از افراد سند جز "عبد السلام بن صالح الهروی" (کشی؛ ۱۳۶۳؛ ص ۶۱۵) در منابع رجالی توصیف نشده‌اند روایت از جهت سند دارای مشکل خواهد بود اما محتوای کلی آن را روایات دیگر و نیز آیات قرآن تأیید می‌کند. در یک جمع بندی با بهره از روایات فرشتگان وعده داده شده در امر ظهور را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

الف) فرشتگان مقرب الهی

روایات فراوانی درباره نزول فرشته وحی و دیگر ملائکه مقرب خداوند هنگام ظهور، در دست است که حکایت از عظمت و بزرگی قیام حضرت مهدی ﷺ دارد. (مجلسی، ۱۴۰۴؛ ج ۵۲، ۳۱۵، ح ۱۰)

ب) فرشتگان حاضر در رکاب برگزیدگان الهی

ابان بن تغلب از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند:

آن گاه که او پرچم پیامبر عليه السلام را به اهتزاز درآورد، سیزده هزار و سیزده فرشته به زیر پرچمش گرد می‌آیند که با نوح پیامبر در کشتی، با ابراهیم خلیل در آتش و با عیسی هنگام عروج به آسمان همراه بودند. (شیخ صدوق، ۱۳۹۵؛ ج ۲، ۶۷۲؛ نعمانی، ۱۳۹۸؛ ۳۰۹)

ج) فرشتگان حاضر در قیام امام حسین عليه السلام

فرشتگانی که در قیام عاشورا به زمین نازل شدند، به تقدیر الهی آن گاه رسیدند که کارزار به پایان رسیده بود و از این روی، خداوند آنها را مأمور ساخت در زمین بمانند و چون منتقم خون امام حسین عليه السلام ظهور کرد او را یاری کرده، انتقام خون شهید کربلا را از ستمگران باز ستانند. (شیخ صدوق، ۱۳۷۸؛ ج ۱، ۳۹۹، ح ۵۸)

اگرچه ممکن است برخی روایات از سند قابل قبولی برخوردار نباشد اما مجموع روایات کنار هم قطعیت یاری مهدی عليه السلام با فرشتگان خداوند را ثابت می‌کند.

دو) نیروهای طبیعت

برخی از امدادهای غیبی خداوند، تسخیر نیروها و امکانات طبیعی است که خداوند پیامبران خود را به آن مجهز کرده است؛ همانند: بادهای، طوفانها، ابرها و... که در قرآن از آنها یاد شده است. (انبیاء: ۸۱؛ احزاب: ۹)

فرستادن بادهای ویرانگر

یکی دیگر از امدادهای الهی، بادهایی است که سبب از بین رفتن دشمنان و یاری مؤمنان شده است. خداوند در این باره می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا﴾؛

ای کسانی که ایمان آورده اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آرید؛ آن گاه که لشکرهایی به سوی شما [درا آمدند، پس بر سر آنان تندبادی و لشکرهایی که آنها را نمی دیدید، فرستادیم. (احزاب: ۹)

آنچه از سیاق کلام استفاده می شود این است که این جنود همان ملائکه ای بودند که در معرکه جنگ نازل می شدند و یا لا اقل ملائکه نازل در معرکه جنگ، بخشی از آن جنود بوده اند، چون آن چیزی که از سکینه و از ملائکه نازل در میدان های جنگ برمی خاسته این بوده که کفار را عذاب و مؤمنان را یاری دهند. (محمدحسین طباطبایی، ۱۳۶۵ ش: ج ۹، ۳۰۲)

و در این آیه افزون بر بادهای به سپاهیان دیده نشدنی نیز اشاره شده است. در اینجا ممکن است این پرسش به میان آید که چه لزومی دارد خداوند برای دشمنان خود وجودی قائل شود و در برابر آن ها امدادهای غیبی خود را بفرستد؟ مگر نه این است که هستی آن ها به مشیت و خواست خداوند است همین که خداوند اراده فرماید فیض وجود از آن ها گرفته شود آن ها نابود خواهند شد و چه نیازی به فرشتگان و یا بادهای.

می توان پاسخ داد که قرار نیست همه امور به گونه مذکور تحقق یابد که البته در برخی موارد در امت های گذشته چنین شده است. در اینجا مقصود پیروزی یافتن گروه حق بر باطل بر پایه تلاش و کوشش است و در واقع هم در پس تلاش آنها گفته می شود آنها بر باطل چیره شدند البته به یاری خداوند و در فرض مذکور دیگر نمی توان گفت آن ها پیروز شده اند و بلکه این خداوند است که بر آن ها غلبه پیدا کرده است.

در روایاتی، برخی عوامل طبیعی، از جمله امدادهای غیبی برای یاری آخرین حجّت الهی ذکر شده است. رسول گرامی اسلام ﷺ در حدیث معراج به نقل از خداوند چنین فرموده است:

...وَأَسْحَرَنَّ لَهُ الرِّيحَ وَالْأَدْلِيَّةَ لَهُ الرِّقَابَ الصَّعَابَ...؛

... و باد را مسخر او می‌کنم و گردن‌کشان سخت را رام او می‌سازم... (شیخ صدوق،

۱۳۹۵: ج ۱، ۲۵۴، باب ۲۳، ح ۴)

بنابراین حضرت مهدی علیه السلام، افزون بر بهره‌مندی از یاران و اصحاب، به خاطر بزرگی قیام جهانی خود، به خواست و ارادهٔ پرودگار، از امدادهای غیبی نیز استفاده می‌کند. البته پیش از این درباره سند روایت گفته شد هیچ یک از افراد سند جز "عبد السلام بن صالح الهروی" (کشی، ۱۳۶۳: ۶۱۵) در منابع رجالی توصیف نشده‌اند روایت از جهت سند غیرقابل قبول است. اما با توجه به سنت‌های جاری خداوند بر حمایت از مؤمنان و مجاهدان بدون تردید خداوند از هر ابزار ممکن به یاری مؤمنان اقدام خواهد کرد. افزون بر امدادهای یاد شده، برخی امور دیگر نیز در روایات مورد اشاره قرار گرفته که می‌تواند در شمار امدادهای الهی باشد.

سه) میراث‌های پیامبران علیهم السلام

از برخی روایات استفاده می‌شود حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور، برخی میراث‌های پیامبران گذشته را نیز همراه خواهد داشت. امام علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

المَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَّمُ، يَأْتِي بِدَخِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلِئَتْ جُورًا وَظُلْمًا؛

مهدی از فرزندان من است، برای او غیبت و حیرتی خواهد بود که مردم در آن گمراه شوند. او ذخیره پیامبران را می‌آورد و زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده باشد. (همان: ج ۱، ۲۸۷، ح ۵)

در سند روایت عقبه بن قیس بن سمعان را حلی مجهول دانسته است. (حلی، ۱۴۱۷: ۲۴۳) که این ضعف چندان در محتوای روایت آسیبی در پی نخواهد داشت. به دلیل روایات فراوانی که پیشوایان معصوم علیهم السلام را میراث‌داران پیامبران الهی معرفی کرده‌اند.

دربارهٔ این که این امور به چه هدفی نزد حضرت جمع شده است، سخن روشنی در دست نیست؛ ولی با توجه به این که نقش حضرت مهدی علیه السلام، ادامه هدایت‌گری همهٔ انبیا و اولیا است و او خواستهٔ آنان را محقق خواهد ساخت؛ می‌توان نتیجه گرفت که تمام ابزار آنان در اختیار وی نیز قرار خواهد گرفت.

دیگر این که آن حضرت وظیفه دارد پیروان همهٔ ادیان را به دین راستین الهی (اسلام) فراخواند و این میراث‌ها، نشانه‌هایی از برحق بودن آن حضرت است. از این رو همان‌گونه که

در روایات، زنده ماندن حضرت مسیح علیه السلام، انگیزه هدایت مسیحیان و برگرداندن آن‌ها به پیروی از حضرت مهدی علیه السلام معرفی شده است؛ می‌توان میراث‌های دیگر پیامبران علیهم السلام را ابزاری برای اتمام حجت بر آنان دانست.

برخی از این میراث‌ها، عبارت است از: سنگ (کلینی، ۱۴۰۱: ج ۱، ۲۳۱، ح ۳) و عصای حضرت موسی علیه السلام؛ (همان: ح ۱؛ نعمانی، ۱۳۹۸: ۲۳۸، ح ۲۸؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۷۶، ح ۷) و طشتی که وی در آن قربانی می‌کرد. (کلینی، ۱۴۰۱: ج ۱، ۲۳۲، ح ۱) و انگشتری حضرت سلیمان علیه السلام. (همان: ۲۳۱، ح ۱؛ نعمانی، ۱۳۹۸: ۳۴۳، ح ۲۷)، پیراهن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، (نعمانی، ۱۳۹۸: ۳۵۰، ج ۴۲) عمامه آن حضرت، (کلینی، ۱۴۰۱: ج ۸، ۲۲۴، ح ۲۸۵) زره آن حضرت، (همان) سلاح آن حضرت، (نعمانی، ۱۳۹۸: ۳۴۹، ح ۴۰؛ کلینی، ۱۴۰۱: ج ۸، ۲۲۴، ح ۲۸۵؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ح ۳۹۶۷۳) و سرانجام پرچم آن حضرت (ابن ابی زینب نعمانی، ۱۳۹۸: ۳۴۳، ح ۲۸ و ۴۳۵، ح ۱).

به هر حال هدف حضرت مهدی علیه السلام و قیام ایشان، در برگیرنده همه اهداف پیامبران بزرگ است. از این رو در آن هنگامه عظیم، او با در اختیار گرفتن میراث پیامبران بزرگ علیهم السلام، هدف خود را - که در واقع هدف همه آنان بوده است - تحقق می‌بخشد و پیروان ادیان را، به سوی خود فرامی‌خواند.

امدادهای درونی

یک) آرام کردن دل‌های مؤمنان

آرامش دل از برجسته‌ترین موهبت‌های پروردگار متعال به مؤمنان است که در پرتو آن سخت‌ترین شرایط زندگی تحمل پذیر می‌شود. این امداد الهی در زندگی انسان‌های والا چون پیامبران الهی علیهم السلام نمود بیشتری دارد. به عنوان نمونه آنگاه که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در لحظات حساس جنگ یا زمان پنهان شدن در غار و احتمال برخورد وی با دشمنانی که برای کشتن او آمده و تا مرز دستگیری‌اش پیش رفته این امداد الهی بود که به یاری او آمد.

دو) هراس در دل دشمنان

پروردگار متعال افزون بر امدادهای یاد شده برای اهل ایمان، گاهی با انداختن هراس در دل دشمنان، جبهه حق را یاری می‌کند. به عنوان نمونه خداوند در جنگ بدر - بر پایه وعده خویش - سپاه ترس را یک باره و ناگهانی بر دل دشمن چیره ساخت:

«... سَأَلْتِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ...»؛

به زودی در دل کافران وحشت خواهیم افکنند... (انفال: ۱۲)

صاحب المیزان درباره القای ترس می نویسد:

این معنای کلام بعضی از تذکره نویسان را تایید می کند که گفته اند "ملائکه برای کشتن کفار نازل نشده بودند، و احدی از ایشان را نکشتند، برای این که نصف و یا ثلث کشتگان را علی بن ابی طالب علیه السلام کشته بود و ما بقی یعنی نصف و یا دو ثلث دیگر را ما بقی مسلمین به قتل رسانیده بودند، و منظور از نزول ملائکه تنها و تنها سیاهی لشکر و در آمیختن با ایشان بوده، تا بدین وسیله مسلمانان افراد خود را زیاد یافته دل هایشان محکم شود و در مقابل دل های مشرکین مرعوب گردد. (محمدحسین طباطبایی، ۱۳۶۵ ش: ج ۹، ۲۴)

خدای متعال، در قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام، ترس و دلهره را بر دل کافران، مشرکان و ستمگران حق ستیز، افکنده، توان تصمیم گیری و دشمنی را از آنان می گیرد.

در روایتی محمد بن مسلم ثقفی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود:

الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ؛ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۳۰، ح ۱۶)

قائم ما به [افتادن] ترس در دل دشمنان، یاری شده است.

یعنی هنگام ظهور، هراس از وی، در دل قدرتمندان می افتد و نیروهای غیبی و نادیدنی، به کمک او و یارانش می شتابند. البته این امر، منافاتی با لزوم حضور مردم در صحنه ندارد و مردم باید آن حضرت را تا رسیدن به اهداف متعالی اش یاری کنند.

در سند روایت اگرچه محمد بن یعقوب الکلینی، القاسم بن العلاء (رجال طوسی: ۴۳۶، ش ۶۲۴۳) علی بن اسماعیل (نرم افزار نور الدرایه) و عاصم بن حمید الحنات نجاشی (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۰۲) و حلی (حلی، ۱۴۱۷: ۱۲۵) توثیق شده اند اما درباره محمد بن محمد بن عصام و اسماعیل بن علی القزوینی توصیفی در منابع رجالی نیامده است از این رو سند روایت محل تأمل است.

اما از آن جایی که شمار روایات در باره رعب افزون بر ده روایت است به نظر می رسد کلیت ایجاد رعب در دل دشمنان را می توان یکی از نمودهای امدادهای غیبی خداوند در ظهور و قیام مهدی موعود علیه السلام دانست. (ر.ک: نعمانی، ۱۳۹۸: ۲۴۳، ح ۴۳؛ محمدباقر مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۵۶؛ شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۶، ۶۰۳؛ محمد بن مسعود العیاشی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۵۹)

سخن پایانی

حضرت مهدی علیه السلام و یاران و سپاهیان مؤمن و شجاع او، در این جنگ‌های نهایی و سرنوشت‌ساز با کمک‌گرفتن از امدادهای غیبی پیروز شده و دشمنان (جبهه باطل) را نابود می‌کنند. بدین سان سرنوشت کافران و ستمگران، به بدترین صورت رقم می‌خورد. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

... وَهُوَ الثَّانِي عَشْرَمِيًّا يَسْهَلُ اللَّهُ لَهُ كُلَّ عَسِيرٍ وَيَدْلِلُّ لَهُ كُلَّ صَعْبٍ وَيُظْهِرُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَيَقْرِبُ لَهُ كُلَّ بَعِيدٍ وَيَبِيرُ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ غَنِيْدٍ وَيَهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ؛
و او دوازدهمین ما امامان است؛ خداوند برای او هر امر سختی را آسان و هر امر دشواری را هموار می‌کند و گنج‌های زمین را برایش آشکار می‌سازد. و هر بعیدی را برای وی نزدیک کرده به توسط وی تمامی جباران عنود را نابود می‌کند و هر شیطان متمردی را به دست وی هلاک سازد. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۶۸، ح ۶)

شیخ صدوق روایت را با این سند از امام کاظم علیه السلام نقل کرده است:

۱. أحمد بن زیاد بن جعفر الهمداني رضي الله عنه (الخلاصة للحلي: ۱۹) توثيق شده است همان گونه که علی بن ابراهيم بن هاشم (شيخ طوسي: ۳۸۹) (نجاشي، ۱۴۰۷: ۲۶۰) و پدرش ابراهيم بن هاشم (محمد بن حسن طوسي: ۱۱، شماره ۶) ثقه دانسته شده‌اند. (نجم‌الدین طبسی، ۱۳۸۸: ج ۲، ۴۸۲)
در پایان مناسب است به برخی از پی‌آمدها و برکت‌های امدادهای غیبی از نگاه آیات اشاره شود.

۱. بشارت و تشویق مؤمنان

قرآن در این باره می‌فرماید:

﴿وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ...﴾؛

و خدا آن [وعده پیروزی] را، جز مژده‌ای برای شما قرار نداد... (آل عمران: ۱۲۶)

۲. ایجاد اطمینان خاطر و تقویت روحیه

خداوند در ادامه آیه پیشین می‌فرماید:

﴿وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ﴾؛

تا [بدین وسیله شادمان شوید و] دل‌های شما بدان آرامش یابد. (پیشین)

۳. انهدام و شکست دشمن

خداوند در باره بخش دیگری از برکات امدادهای غیبی به شکست دشمنان این گونه اشاره می‌کند:

﴿لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ﴾

تا برخی از کسانی را که کافر شده‌اند نابود کند، یا آنان را خوار سازد، تا نومید بازگردند. (آل عمران: ۱۲۷)

۴. افزودن به ایمان مؤمنان

در قرآن افزایش ایمان مؤمنان یکی از برکات برجسته امدادهای غیبی دانسته شده است:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَرْدَأُوا إِيمَانًا مَّعَ إِيمَانِهِمْ﴾

اوست آن کس که در دلهای مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند. (فتح: ۴)

همه موارد یادشده و مانند آن در راستای پیروزی مؤمنان بر دشمنان خواهد بود. و این وعده‌ای است که خداوند به مهدی علیه السلام و یاران او در دوران آخرالزمان داده است.

نتیجه‌گیری

اگرچه در میان روایات مربوط به امدادهای غیبی برخی از جهت سند مخدوش هستند اما شماری نیز دارای اعتبار بوده و بر اساس آن‌ها می‌توان حکم به حضور برخی از امدادهای الهی در قیام جهانی موعود نمود.

با توجه به آنچه یاد شد به روشنی می‌توان گفت بر پایه سنت‌های خداوند رویارویی با اهل باطل و وظیفه اهل ایمان است و پیروزی از آن آنهاست اگرچه خداوند به عنوان حق مطلق همواره در جبهه حق است اما به قدر ضرورت امدادهای خود را برای پیروزی آنها می‌فرستد. این امدادها البته در جایی خواهد بود که اهل حق به خداوند ایمان آورده در راه از خود پایداری نشان دهند.

از آن جایی که قیام مهدی موعود علیه السلام بزرگ‌ترین رودررویی جبهه حق با باطل است خداوند امدادهای خود را به طور ویژه در آن گسیل خواهد داشت و البته مهدی علیه السلام و یاران او در اوج احراز شرایط جلب این امدادهای الهی خواهند بود.

منابع

- ابن طاووس، علی بن موسی؛ *فلاح السائل*؛ قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، بی تا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى، بیروت، ۱۴۰۸ ق
- اربلی، علی بن عیسی؛ *کشف الغمة فی معرفة الائمة علیهم السلام*؛ تبریز: مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
- تهرانی، آقا بزرگ؛ *الذریعة الی تصانیف الشیعة*؛ ۲۶ جلد، چ دوم، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق.
- حلّی، حسن بن یوسف، *خلاصة الاقوال*، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- خزاز قمی، علی بن محمد؛ *کفایة الاثر*، قم: انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ ق.
- خوبی، سید ابوالقاسم؛ *معجم رجال الحدیث*؛ الطبعة الاولى، قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ ق.
- رازی، ابوالفتح؛ *روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن*؛ تصحیح: محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.
- راغب الاصفهانی، *مفردات الفاظ القرآن*، ذوی القربی، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- صدر، سید محمد؛ *تاریخ پس از ظهور*؛ تهران: موعود عصر ع، ۱۳۸۴ ش.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه؛ *کمال الدین وتمام النعمة*، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
- _____؛ *عیون اخبار الرضا علیهم السلام*؛ تهران: جهان، ۱۳۷۸ ق.
- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
- طبرسی، امین الاسلام فضل بن حسن، *اعلام الوری بأعلام الهدی*، بی تا.
- طبسی، نجم الدین؛ *تا ظهور*؛ قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود ع، ۱۳۸۸.
- طریحی، فخر الدین بن محمد؛ *مجمع البحرین*؛ تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
- طوسی، محمد بن الحسن، *رجال شیخ طوسی*، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم: ۱۴۱۵ ق.
- _____، *الفهرست*، نجف اشرف، مکتبه المرتضویه، بی تا.
- عیاشی، محمد بن مسعود بن عیاش، *تفسیر العیاشی*، منشورات موسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۱۷ ق.
- قرشی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ ش.
- کشی، محمد بن عمر؛ *رجال کشی*؛ قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۳۶۳ ش.

- کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الكافی*؛ دارالصعب دارالتعارف، ۱۴۰۱ق.
- متقی هندی، علاءالدین علی؛ *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، دار الکتب العلمیه، مرکز نشر اثار علامه مصطفوی، بیروت، بی تا.
- مطهری، مرتضی؛ *امدادهای غیبی در زندگی بشر*؛ قم: صدر، ۱۳۸۴.
- _____؛ *انسان و سرنوشت*؛ قم: صدر، ۱۳۸۴.
- مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه ۲۷ جلد، قم، ۱۳۶۲ش.
- نجاشی، احمد بن علی بن احمد بن عباس (م ۴۵۰ق)، *رجال نجاشی*، دو جلد، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، مکتبه الصدوق، تهران: ۱۳۹۷ق.



پروفیسر شہناز گل خان
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ